

شخصیت عرفانی

و

اخلاقی پیامبر(ص)

(۴)

محمد مصطفی

محمد(ص) واسطه فیض است

جهان هستی (مجرد و طبیعت) معلول ذات مستقل و بی نیاز خداوند واجب است، او احاطه قیومی و سریان وجودی، بر کل موجودات دارد، هیچ وجودی از او مخفی نیست، زیرا که فاعل مطلق است و محال است فعل از فاعل آگاه، مخفی باشد. او به مقتضای فیاضیت مطلق خویش، هیچ بخشی در افاضه وجود ندارد، آنچه در مرحله امکان ذاتی است، باید مشمول فیض او واقع شده و ظهور پیدا کند، اما موجودات در گرفتن فیض از خداوند متعال، دو قسمند:

الف- قسمی، بدون واسطه قابلیت کسب فیض از حضرت حق را دارند.

ب- قسمی دیگر مشمول فیض الهی قرار نمی گیرند، مگر با واسطه.

عقل و روح و نور و قلم که مراتب وجودی پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) را تشکیل می دهند، بدون آن که بین آنها و فیض الهی واسطه ای باشد، ظهور یافته و بوجود آمده اند، زیرا که آن حضرت، مظهر جمیع اسماء و صفات الهی است، آنچنان که در روایات وارد شده است: **نَحْنُ أَسْمَاءُ الْحُسْنَى** [ما اسماء حسنی هستیم] لذا آن حضرت در مرتبه وجود نورانی خویش، به همه حقایق اشیاء، علم دارد و

.....
۱- کافی ج ۱ ص ۱۴۳-۱۴۴ باب النوادر روایت ۴.

همه اشياء و موجودات، قائم به او هستند به نحوی که بر ممکنات، ولایت تکوینی دارد، و او خود قائم به ذات حق و تحت ولایت پروردگار می باشد، و حتی ملائکه و جهان طبیعت که مظهر بعضی از اسماء الهی هستند به واسطه عقل و نور اول، مشمول فیض خدا واقع شده و هستی یافته اند زیرا که مرتبه احسن وجود، تابع مرتبه اشرف است و تا وجود اشرف آفریده نشود مرتبه احسن، وجود نخواهد یافت، چنان که محال بودن ظفره بر خداوند، و قاعده اشرف، بیانگر این مطلب می باشد، برای این که مراتب نازله وجود از فیض الهی محروم نمانند، واسطه فیض، ضرورتی بالقیاس دارد.

عارف عظیم الشأن امام بزرگواره ان (ادم الله بقلانه وظله) در تفسیر سوره حمد می فرمایند:

مقداری که همه موجودات عالم اسم خدا هستند و نشانه خدا هستند، این یک مقدار اجمالی است که همه عقول این را می توانند بفهمند...^۲ همه موجودات همان جلوه خدا هستند و نورند الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَاگر این جلوه گرفته شود، موجودی باقی نمی ماند...^۳ تجلی در موجودات به اسم اعظم است...^۴ اسم اعظم عبارت از آن اسمی و علامتی است که واجد همه کمالات حق تعالی است بطور ناقص، یعنی نقص امکانی، و واجد همه کمالات الهی هست نسبت به سایر موجودات...^۵ واسم اعظم، خود رسول الله صلی الله علیه وآله است، اعظم اسماء است، در مقام تجلی^۶.

عارف کامل مرحوم ملامحسن فیض کاشانی در اصول المعارف چنین نگاشته است:

فَمَوْجُودَاتُ الْعَالَمِ بِسِرِّهَا مَظَاهِرُ لِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَىٰ فَهَوَّ سُبْحَانَهُ يَخْلُقُ وَيُدَبِّرُ كُلَّ نَوْعٍ مِنَ الْأَنْوَاعِ بِأَسْمٍ مِنَ الْأَسْمَاءِ وَذَلِكَ الْإِسْمُ هُوَ رَبُّ ذَلِكَ النَّوْعِ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ رَبُّ الْأَرْبَابِ وَالِي هَذَا أَشِيرَ فِي كَلَامِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي أَدْعِيَّتِهِمْ بِقَوْلِهِمْ: «بِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْعَرْشَ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْكُرْسِيَّ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْأَرْوَاحَ» إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ هَذَا النَّمِطِ.

۵- همان ص ۲۴.

۶- همان ص ۹۶.

۲- تفسیر سوره حمد ص ۲۳.

۳- همان ص ۴۴.

۴- همان ص ۶۲.

وَالْإِسْمُ الْأَعْظَمُ هُوَ رَبُّ الْإِنْسَانِ الْكَامِلِ لِأَنَّهُ غَايَةُ الْوُجُودِ.^۷

... موجودات جهان همگی و بدون استثناء، تجلیات و نمونه های اسماء خُشنای خدای متعال هستند، خداوند سبحان با هر اسمی از اسماء خود، نوعی از انواع موجودات را می آفریند و تدبیر می کند و چنین اسمی رب همان نوع از موجودات است و خدای سبحان رب الارباب و مدبّر همه تدبیرکنندگان می باشد و به این مطلب در ضمن دعاهاى اهل بیت (علیهم السلام) اشاره شده است: «پروردگارا قَسَمْتُ می دهیم به آن اسمی که به واسطه آن عرش را آفریدی و اسمی که به سبب آن کرسی را و به اسمی که با آن شبانگاه را آفریدی» و ... و اسم اعظم، رب انسان کامل است، بدان جهت که او غایت وجود است.

طبق این قاعده که وجود، دارای مراتب مختلفه است و هر وجودی از ظرفیت وسعه معینی برخوردار است، آن وجودی که صرف الوجود و وجود مطلق است و وجود برای او ضرورت ذاتی ازلی دارد، مبدأ هستی می باشد که احاطه قیومی بر همه موجودات امکانی دارد و آن وجود امکانی که اقرب وجود به مبدأ هستی است، اکمل موجودات امکانی می باشد تا می رسد به نازلترین مرتبه وجود که ناقص تر از آن، وجودی نیست، و طبق این قاعده که وجود کاملتر، احاطه وجودی نسبت به وجود نازل تر از خود داشته و انبساط وجودی و ولایت و تسلط بر او دارد و باز طبق این قاعده که تجلی فیض حق، از اشرف به دانی می باشد، و همچنین طبق این قاعده که دانی با توسل به موجود اشرف می تواند از نقص به طرف کمال حرکت کند، تمام موجودات (مجرد و مادی) باید محکوم و مقهور و در فرمان اکمل موجودات باشند و با اطاعت از او اطاعت از خدا کنند و با دوست داشتن او به محبت خدا برسند و آلا بدون واسطه نخواهند توانست محبت الهی و نظر خدا را جلب کنند و عاطل و باطل خواهند ماند، بنابراین، وجود اقرب به خدا و اکمل موجودات امکانی، محور همه موجودات امکانی است.

استاد سید جلال الدین آشتیانی در مقدمه اصول المعارف در این مورد چنین نگاشته است:

واسطه فیض در ابتدای وجود و اول ظهور، حقیقت انسان کامل است و چون فیض، توسط او به اشیاء می رسد، واسطه در تدبیر نیز او است و همین انسان است که در مقام قوس صعود نیز، قافله سالار وجود است و به تبعیت

.....
۷- اصول المعارف / ۴۶.

او اشیاء به حق اول متصل می‌شوند.^۸

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان فهمید که نور رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) ملاک حق بودن جهان است، حق در مقابل باطل، اگر او نبود آفرینش جهان باطل و عبث بود، زیرا که او مظهر تمام اسماء و صفات الهی و آینه تمام نمای حضرت حق است، او حبیب خدا و علت غائی هستی می‌باشد آن چنان که علت هستی کائنات است.^۹ اگر معیار حق بودن را چرخیدن بر محور موجود کامل و معیار باطل بودن را چرخیدن بر گرد خویش و یا بر گرد موجود ناقص تر از خود، قرار دهیم (بدون آن که این چرخش بر محور موجود کاملتر باشد) باید بگوئیم: حق بودن موجودات امکانی در گرو اطاعت از عقل اول و نور اول است، زیرا همانگونه که او واسطه در آفرینش است، واسطه در قرب الی الله نیز هست و حق بودن نور اول در این است که اطاعت از حضرت حق نماید و تسبیح و حمد و تقدیس او را کند.

بنابراین پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) ملاک حق بودن جهان هستی است.

اینک به بیان برخی از روایات راجع به، واسطه فیض بودن نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) می‌پردازیم.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص): أَوَّلُ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى مَا هُوَ؟
فَقَالَ: نُورٌ نَبِيِّكَ يَا جَابِرُ، خَلَقَهُ اللَّهُ ثُمَّ خَلَقَ مِنْهُ كُلَّ خَيْرٍ.^{۱۰}

از جابر بن عبدالله روایت شده است که گفت: به رسول الله (ص) عرض کردم، اول موجودی که خداوند آفرید، چیست؟ فرمودند: ای جابر اولین مخلوقی که در عالم ممکنات پدید آمد نور پیامبر تو (ص) بود خداوند نخست او را آفرید و به واسطه او موجودات دیگر را خلق کرد.

وَعَنْ جَابِرٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي فَفَتَّقَ مِنْهُ نُورَ عَلِيٍّ ثُمَّ خَلَقَ الْعَرْشَ وَاللُّوحَ وَالشَّمْسَ وَضُوءَ النَّهَارِ وَنُورَ الْأَبْصَارِ وَالْعَقْلَ وَالْمَعْرِفَةَ.^{۱۱}

۸- مقدمه اصول المعارف ص ۴۴.

۹- البته علت غائی بودن و علت هستی موجودات بودن او در طول علت غائی و علت هستی بخش بودن خداوند متعال است.

۱۰- بحارج ۵۴ ص ۱۷۰ روایت ۱۱۶.

۱۱- همان مدرک روایت ۱۱۷.

و از جابر روایت شده که گفت: رسول خدا(ص) فرمودند: اول موجودی که خدا آفرید نور من بود، و به واسطه آن نور، علی(ع) را پدید آورد، سپس عرش و لوح و خورشید، روشنایی روز و نوردیدگان و عقل و معرفت را آفرید.

وَعَزَّتِي وَجَلَالِي لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاقَ ، مَنْ أَحَبَّكَ أَحْبَبْتَهُ وَمَنْ أَبْغَضَكَ
أَبْغَضْتَهُ... ۱۲

ای پیامبر به عزت و جلالم سوگند اگر تونبودی، جهان را نمی آفریدم، کسی که تو را دوست بدارد، او را دوست می دارم و کسی که تو را دشمن بدارد او را دشمن می دارم.

این روایات، دلیل واضح و روشنی بر واسطه فیض بودن آن حضرت است که سبب هستی موجودات می باشد و دیگر اینکه او نه تنها واسطه فیض در آفرینش است بلکه واسطه فیض در محبت نیز می باشد، او محبوب بدون واسطه خداوند است و دیگران محبوب با واسطه هستند.

و روایاتی که در آفرینش قلم وارد شده است نیز این مطلب را تأیید می کنند که اینک چند نمونه از آنها را می آوریم:

إِنَّ أَوَّلَ شَيْءٍ خَلَقَهُ اللَّهُ الْقَلَمُ فَامْرَهُ أَنْ يَكْتُبَ مَا هُوَ كَاتِبٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ... ۱۳

اولین موجودی که خداوند آفرید قلم بود پس به او امر فرمود که آن موجوداتی را که تا روز قیامت بوجود می آیند بنویس...

چنانچه قلم مرتبه ای از مراتب وجودی رسول گرامی(ص) باشد، پس خداوند متعال به وسیله آن حضرت، کلماتش را در جهان هستی نگاشته است زیرا هر وجودی در جهان هستی، کلمه خدا و اثر وجودی باری تعالی می باشد.

إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْقَلَمُ فَقَالَ لَهُ أَكْتُبْ، قَالَ: يَا رَبُّ مَا أَكْتُبُ؟ قَالَ: أَكْتُبُ مَقَادِيرَ
كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ. ۱۴

بدون تردید اول موجودی که خداوند آفرید قلم بود، سپس به او فرمود، بنویس، گفت:

۱۲- بحارج ۱۵ ص ۲۸.

۱۳- بحارج ۵۴ ص ۳۶۶ روایت ۱-۳-۱۳.

۱۴- میزان الحکمة ج ۳ ص ۸۳، جامع الاصول ابن اثیر ج ۱۰/ ۵۱۲.

خداوندا چه بنویسم؟ فرمود: سرنوشت جهان و جهانیان را تا روز قیامت بنویس.

فیلسوف کبیر حاج ملاحادی سبزواری در مجموعه رسائل خویش چنین مرقوم داشته است:

و او [رسول خدا(ص)] را قلم فرموده اند، چه، واسطه نگارش حق است،
صور مبدعات و کاینات را مانند کلک تحریر در دست دبیر با تدبیر که به
لسان حال گوید:

در کف کاتب وطن دارم مدام کرده بین الاصبیعن اومقام
نیست درمن جنبشی از ذات من اوست درمن، دم بدم جنبش فکن

... و او را روح فرموده اند: چون جان عالم و جانِ جانِ عالمیان است و
حیات بخش است— باذن الله— به همه عوالم. و او را نور فرموده اند، چه
معنای نور، ظاهر بالذات و مُظهر للغير است و این معنی در حقیقت وجود
متحقق است، چه وجود حقیقی، ظاهر بالذات است و مُظهر همه ماهیات
می باشد. ۱۵

به نقل از ابی صلت هروی از امام رضا(علیه السلام) از پدران او از امیرالمؤمنین (علیهم
السلام) چنین روایت شده است:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: خداوند متعال آفریده ای برتر و گرامی تر از
من نیافریده آنگاه علی (علیه السلام) سؤال کردند: یا رسول الله شما برترید یا جبرئیل،
فرمودند: یا علی خدای تبارک و تعالی پیامبران مرسل را بر فرشتگان مقرب برتری داده
و مرا بر تمام انبیاء و رسولان برتر گردانید و برتری پس از من برای تو است و برای
امامان بعد از تو است. یا علی: فرشتگان، خدمتگزار ما و دوستان ما هستند، یا علی:
فرشتگانی که حامل عرشند و در اطراف آن به تسبیح و ستایش پروردگار خویش
مشغولند، برای آنانکه به ولایت ما ایمان آورده اند، طلب مغفرت و آمرزش می کنند، یا
علی: اگر ما نبودیم، خداوند، آدم و حوا، بهشت و جهنم و آسمان و زمین را نمی آفرید.

.....
۱۵— مجموعه رسائل، فصل پنجم ص ۱۴۰—۲۳۹، اسرار الحکم ص ۳۹۳—۳۹۴، حاج ملاحادی
سبزواری فیلسوف متأله در کتاب اسرار الحکم ص ۴۰۴ بیانی در واسطه فیض بودن حضرت خاتم (ص) در عالم
مجردات و عالم اجسام دارد.

چرا افضل نباشیم در حالی که بر همه اینها در معرفت و تسبیح و تهلیل و تقدیس خدای خویش مقدم می‌باشیم، زیرا که اولین خلق خدا ارواح ما بود که پس از خلقت، ما را به توحید و ستایش خود گویا گردانید سپس فرشتگان را آفرید پس چون فرشتگان، ارواح ما را نور واحدی مشاهده کردند، وجود ما را بزرگ شمردند پس تسبیح گفتیم تا به آنها بفهمانیم که ما مخلوق و آفریده خدا هستیم و او پاک و منزّه از صفات ما است، پس فرشتگان به تسبیح ما تسبیح گفتند.^{۱۶}

این روایت علاوه بر این که گویای واسطه فیض بودن آن حضرت است، بیانگر ولایت حضرات معصومین (ع) نیز می‌باشد.
و از طریق اهل سنت نیز حدیثی از عمر نقل شده است که نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

آدم به پروردگار عالم عرض کرد: هنگامی که مرا آفریدی، نظری به عرش افکنده و این نوشته را آن جا دیدم: لا اله الا الله، محمد رسول الله... خداوند به آدم وحی فرمود: ای آدم بدون شک او آخرین پیامبران من از ذریه تو است، اگر او نبود تورا نمی‌آفریدم.^{۱۷}

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) نه تنها واسطه فیض در تکوین است که واسطه فیض در تشریح نیز می‌باشد، صراط مستقیم هدایت به وسیله او شناخته می‌شود و انسانها به وسیله او به خدای متعال معرفت پیدا می‌کنند و کسی که به او ایمان آورده و به دستوراتش عمل نماید، اهل بهشت است و کسی که او را نافرمانی کند، اهل جهنم خواهد بود.

عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ قَالَ: لَمْ يَتَّبِعِ اللَّهُ نَبِيًّا آدَمَ وَمَنْ بَعْدَهُ إِلَّا أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْعَهْدَ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا وَهُوَ حَيٌّ لِيُؤْمِنَ بِهِ وَلِيَنْصُرَتْهُ وَأَمَرَهُ أَنْ يَأْخُذَ الْعَهْدَ بِذَلِكَ عَلِيٌّ قَوْمِهِ.^{۱۸}

علی (علیه السلام) فرمودند: خداوند هیچ پیامبری — اعم از آدم و پیامبران بعد از وی — را مبعوث نکرده است جز این که از او چنین پیمان گرفته: اگر خداوند محمد (صلی الله علیه وآله) را

۱۸ — اثبات الهداة ج ۱ ص ۳۶۸ روایت ۹۰.

۱۶ — بحار الانوار ج ۱۸ / ۳۴۵ حدیث ۶

۱۷ — اثبات الهداة ج ۱ ص ۳۸۲ روایت ۱۰۸.

برانگیخت و او زنده بود باید به محمد (صلی الله علیه وآله) ایمان آورده و یا ریش کند، و نیز امر فرمود که این چنین پیمانی را از قوم و ملتش بگیرد.
قرآن درباره فیض تشریحی او می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ ۱۹.

ای کسانی که (به ظاهر و به زبان) ایمان آورده اید (به دل نیز) به خدا و رسولش و کتابی (قرآن) که بر رسولش فرستاده و کتابی (تورات و انجیل) که پیش از این فرستاده بود، ایمان آورید.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ - قُلْ إِنَّمَا بُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۲۰

تورا (ای محمد) نفرستادیم مگر اینکه برای جهانیان مایه رحمت باشی و به آنان بگو: بمن چنین وحی شده که خدای شما، خدائی است یکتا.

و آیات بسیار دیگری از جمله آیه: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۲۱

و در حدیث معراج آمده است که خداوند متعال خطاب به حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) فرمود:

فَإِنَّكَ تُورِي فِي عِبَادِي وَرَسُولِي إِلَيَّ خَلْقِي وَحُجَّتِي عَلَيَّ بَرَّتِي لَكَ وَلَمْ تَأْتِكَ خَلَقْتُ جَنَّتِي وَلَمْ تَحَالِفْ خَلَقْتُ نَارِي وَلَا تُصِيَانِكَ أَوْجِبْتُ كِرَامَتِي وَلَشِعَّتِهِمْ أَوْجِبْتُ ثَوَابِي... ۲۲

همانا تو نور من در میان بندگانم و رسول من به سوی خلقم و حجت من بر آفریدگانم هستی، بخاطر تو و کسانی که از تو پیروی می کنند، بهشت را آفریدم و برای کسانی که مخالفت تو کنند جهنم را خلق کردم، و برای اوصیای تو کرامتم را و برای پیروان اوصیاء تو، ثوابم را قرار دادم.

به هرحال پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه وآله):

الف - ملاک حق در تکوین است آن چنان که ملاک حق در تشریح نیز می باشد.

.....

۲۱ - سوره مائده آیه ۹۳.

۱۹ - سوره نساء آیه ۱۳۶.

۲۲ - بحار ج ۱۸ ص ۳۴۶.

۲۰ - سوره انبیاء آیه ۱۰۷.

ب- واسطه فیض در تشریح است آن چنان که واسطه فیض در تکوین نیز هست.

ج- جهان هستی به واسطه او بر محور حضرت حق می چرخد و او بدون واسطه وظیفه خود را انجام می دهد.

د- انسانها به واسطه او قرب الهی را حاصل می کنند و او بدون واسطه.

ه- همه باید او را محور قرار دهند و او نیز خدا را.

و- به واسطه او انسانهای مطیع فرمان او، خلعت حق می پوشند و آلا اهل دوزخ و باطل خواهند بود.



بقیه از صفحه ۳۶

از آیات یاد شده به خوبی به دست می آید که مؤمنان از هدایت ویژه ای برخوردارند که حلوه های شاخص آن، آرامش قلب، شرح صدر، روشن بینی و نور می باشد.

نتیجه گیری

از آنچه گذشت با معانی مختلف هدایت از دیدگاه قرآن آشنا گشتیم و دانستیم که تنها نوع اخیر آن که آن را هدایت ویژه مؤمنان نام نهادیم، مورد بحث در هدایت و ضلالت می باشد و این نوع هدایت و ضلالت است که یکی از انگیزه های عقیده جبر به شمار می رود و طرفداران نظریه جبر، آن را صد درصد وابسته به خواست و اراده خدا می دانند و ظاهر برخی از آیات قرآن نیز هماهنگ با این نظریه است و ما برای روشن شدن نظریه واقعی قرآن در این باره، لازم است در مقاله آینده پیرامون دو موضوع زیر بحث کنیم.

۱- هدایت یافتگان و عوامل هدایت آنان

۲- گمراهان و عوامل گمراهی آنان

آنگاه به بررسی آیاتی که هدایت و ضلالت را منوط به مشیت الهی می دانند،

بپردازیم.